

Explanation of the university social status and cultural reproduction with an emphasis on the opposite factors of the hidden curriculum: concerning the university applicable consideration design

Mahdi Sobhani Nezhad, Najme Ahmad Abadi Arayi, Azad Mohammadi, Samad Mohammadi,

¹Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

² Ph.D Student of Philosophy of Education, Payamnuor University, Tehran, Iran

³ Ph.D Student of Philosophy of Education, Tehran University, Tehran, Iran

⁴M.A of Curriculum Planning, Kashan University, Kashan, Iran

تبیین بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشگاهی با تأکید بر مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان به منظور طرح ملاحظات کاربردی دانشگاهی

مهدی سبحانی‌نژاد، نجمه احمدآبادی آرانی^۱، آزاد محمدی، صمد محمدی

^۱دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

^۲دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۴کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

Abstract

This study intended to explain the university social status and cultural reproduction for the purpose of the university applicable consideration based on the opposite factors of the hidden curriculum. This research was carried out based on the analytic-descriptive method; during which deduction was according to context analysis and re-contextualization. The research population was consisted of those theoretical textbooks which were related to the purpose of the study. Data, then, were gathered using indexing forms. The findings showed that the opposite elements of hidden curriculum in high education could be effective in establishing the position and attitude of social status and cultural reproduction of the student of special classes; whereas, it could be effective in disappointing middle and low class students from changing their present situation and condition. This happening which is under the effect of the opposite factors of high education hidden curriculum is conspicuous in some of the present research documents. Hence, at the end, a list of the practical sample considerations on the different dimensions of the opposite factors of the hidden curriculum is presented; among which are: making educational justice, emphasizing the critical and dialectic methods, decreasing the bureaucracy to display the capabilities of the different classes in the university activities (scientific, research, cultural, and student centered activities), emphasizing on the multicultural curriculum, focusing on the qualitative evaluation instead of quantities evaluation, applying active teaching strategies and changing the educational environments.

Keyword: Cultural Reproduction, Educational Inequality, Hidden Curriculum, High Education

چکیده

پژوهش حاضر، درصدد تبیین بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشگاهی برحسب مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان به منظور ارائه ملاحظات کاربردی برای دانشگاه است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که طی آن از استنتاج مبتنی بر تحلیل مفاهیم و مفهوم‌پردازی مجدد، استفاده شده است. جامعه پژوهش، مجموعه متون نظری مرتبط با عنوان پژوهش بوده که به کمک فرم فیش برداری، اطلاعات لازم استخراج شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه‌های درسی پنهان آموزش عالی می‌توانند در تثبیت پایگاه و منزلت بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشجوی طبقه خاص مؤثر بوده و بالعکس در نوسازی وضعیت کنونی برای دانشجویان طبقه‌های متوسط و پایین، مؤثر باشند. تبلور عینی این رخداد متأثر از مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان آموزش عالی در تعدادی از استنادهای پژوهشی مطالعه حاضر محسوس است. براین اساس؛ در پایان فهرستی از ملاحظات عملی نمونه در راستای ابعاد مختلف مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان مورد توجه واقع شده که از آن جمله می‌توان به برقراری عدالت آموزشی، تأکید بر روش‌های انتقادی و گفتگو محور، کاهش دیوان‌سالاری به منظور بروز قابلیت‌های طبقات مختلف در فعالیت‌های دانشگاهی (علمی، پژوهشی، فرهنگی، دانشجویی)، تأکید بر برنامه درسی چندفرهنگی، توجه به شیوه‌های کیفی به جای شیوه کمی در ارزشیابی، کاربرد و اجرای راهبردهای تدریس فعال و مشارکتی و تغییر در محیط‌های آموزشی اشاره نمود. **واژگان کلیدی:** آموزش عالی، بازتولید فرهنگی - طبقاتی، برنامه درسی پنهان، نابرابری آموزشی

مقدمه

مطالعه کیفی»، پژوهش صفایی موحد و باوفا (safaei movahed & bavafa, 2013) با عنوان «به سوی فرا نظریه‌ای دیگر برای شناخت برنامه درسی پنهان»، پژوهش آهولا (Ahola, 2000) با عنوان «برنامه درسی پنهان در آموزش عالی: چیزی برای ترس یا موافقت؟»، پژوهش فیشر (fisher, 2000) با عنوان «رونمایی از نقش برنامه درسی پنهان در حل تعارض و آموزش صلح: جهت‌گیری‌های آینده در آموزش تعارض» و پژوهش مارگولیس (Margolis, 2001) «با عنوان برنامه درسی پنهان در آموزش عالی» را می‌توان اشاره کرد.

از آنجا که تاکنون پژوهش جامع در ارتباط با نسبت برنامه درسی پنهان با بازتولید فرهنگی - طبقاتی آموزش عالی صورت نگرفته است؛ بنابراین ایده بحث حاضر آن هست که با توجه به این که سرمایه فرهنگی از مهم‌ترین عناصر پویای نظام اجتماعی - فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. نظام آموزش عالی تواند نقش مهمی در انتقال این سرمایه در جامعه انگاره‌ها، ارزش‌ها و هنجارها در فضای دانشگاه، بازی کند در این راستا برای دستیابی به توسعه علمی، تجزیه و تحلیل روابط، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با توجه به سؤالات زیر، بازتولید فرهنگی - طبقاتی با تأکید بر مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان در آموزش عالی به منظور طرح ملاحظات کاربردی دانشگاهی ارائه گردد. ۱- سازوکار بازتولید فرهنگی - طبقاتی چگونه است؟ ۲- مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان دانشگاهی چگونه در بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشجویان دانشگاهی مؤثر است؟ ۳- جهت کنترل پیامدهای منفی بازتولید فرهنگی - طبقاتی ناشی از مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان، ملاحظات کاربردی دانشگاهی چه هستند؟

روش پژوهش

هدف پژوهش تبیین بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشگاهی با تأکید بر مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان به منظور طرح ملاحظات کاربردی دانشگاهی است. بدین منظور روش پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل اسنادی است که طی آن از مصادیق عینی اسنادهای

برنامه درسی (curriculum) به‌عنوان یکی از ستون‌های الزامی سازه علوم تربیتی، نقش بی‌بدیلی در عملکردهای تربیتی داشته است. اواسط دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، متخصصان برنامه درسی، تلاشی در نظام‌مند کردن تمامی نظریه‌ها با نگرشی متاتئوریکي داشتند و موفق به ترسیم و ارائه نظام در این خصوص شدند که سه مقوله کلی برنامه درسی رسمی یا صریح، برنامه درسی پنهان یا مستتر و درسی عقیم یا پوچ را در برداشت (fathi vajargah, 2007) برنامه درسی در آموزش عالی را می‌توان به کوه یخی تشبیه نمود که قسمت بیرونی آن همان الزامات آشکار و برنامه درسی رسمی است، در حالی که بخش اعظم این کوه یخ که در زیر آب پنهان است برنامه درسی پنهان دانشگاه است که شامل ارزش‌ها و هنجارهای تصریح نشده رشته، دانشگاه و گروه آموزشی می‌شود و تنها افرادی تیزبین با ابزار و وسایل کافی قادرند آن را ببینند (movahed & ataran, 2013).

بازتولید فرهنگی در عرصه تعلیم و تربیت به‌عنوان یکی از ایده‌های اساسی در تعارض طبقاتی است. این ایده در ابتدا برای تحلیل برنامه درسی ملی انگلستان و ویلز بکار گرفته شده است. هیل بر آن است که برنامه درسی مذکور با برجسته کردن اهمیت فرهنگ برتر و انتقال آن در قالب برنامه درسی، نخبه‌گرایی را رواج می‌دهد و به این ترتیب، در عمل، به جای فراهم آوردن برابری در جامعه، تداوم شکاف اجتماعی میان دوطبقه را موجب می‌گردد (bagheri, 2010: 253).

حوزه برنامه درسی پنهان در آموزش عالی را باید از حوزه‌های مغفول پژوهش‌های آموزشی در ایران و جهان دانست که پژوهش‌های چندانی پیرامون آن صورت نگرفته است. برخی پژوهش‌های صورت گرفته در راستای موضوع حاضر عبارت‌اند از: پژوهش مهram و همکاران (etal, Mahram 2006) با عنوان «نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)»، پژوهش صفایی موحد و عطاران (safaei movahed & ataran, 2013) با عنوان «واکاوی برنامه درسی پنهان در انتخاب استاد راهنما در دانشکده ریاضی: یک

انواع خاصی از مهارت‌های شناختی و رفتاری در میان طبقات اجتماعی شده و موجب می‌گردند که فراگیران هر طبقه، ارتباط ویژه‌ای را با سرمایه فیزیکی و نهادی، با منابع قدرت و با فرایند کار برقرار کنند. مطالعات قوم‌نگارانه آنیون نشان داد که برنامه درسی دانش‌آموزان متعلق به طبقه کارگر بیشتر بر قوانین و دستورالعمل‌های معلمان تأکید نموده، حق انتخاب محدودی برای دانش‌آموزان قائل می‌شود. برنامه درسی طبقه متوسط دستیابی به «پاسخ درست» را ترغیب نموده است و در عین حال فرصت‌هایی محدود را نیز برای خود مختاری دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. در مقام مقایسه، برنامه درسی طبقه ممتول بر خلاقیت و تفکر مستقل تأکید دارد و برنامه درسی متعلق به طبقه نخبگان مبتنی بر این مفروضه است که دانش‌آموزان به مهارت‌های «تحلیلی و مقایسه‌ای» لازم جهت ارائه برهان‌ها و راه‌حل‌های منطقی نیازمندند. آنیون معتقد است که در برنامه درسی ویژه طبقه متوسط، پاسخ صحیح به سؤالات و یافتن پاسخ درست مورد تأکید قرار می‌گیرد. تکالیف کلاسی، خلاقیت و بیان احساسات را ترغیب نمی‌نمایند و مانع بروز تفکر انتقادی از سوی دانش‌آموزان می‌شوند. این نوع برنامه درسی افراد را برای مشاغل اداری، فنی، فروش و امثال آنها آماده می‌سازد؛ اما در برنامه درسی ویژه طبقه مرفه، بر خلاقیت، بیان احساسات و مهارت‌های مذاکره تأکید می‌گردد. دانش‌آموزان فرصت پیدا می‌کنند تا سرمایه‌های نمادین مانند ادبیات، هنر، ایده‌های علمی، ... را کسب کنند. این نوع برنامه درسی منجر به تربیت افراد برای مشاغل هنری، حقوقی، علمی، ... می‌شود. از سوی دیگر، برنامه درسی ویژه نخبگان افراد را قادر می‌سازد تا قوانین را در ذهن خود نهادینه نموده، در صورت لزوم با انسجام بخشیدن به آنها، به‌طور مقتضی، آنها را در حل مسائل مورد استفاده قرار دهند (Barfels, 2000) هر چند که اعتبار این نظریه هنوز مورد بحث و مجادله است، ولی شواهدی در تأیید آن، موجود است. در نتایج حاصل از نابرابری فرصت آموزشی در کشور پرتغال (corneiro, 2006) و در بین ۱۲ کشور؛ ژاپن، هنگ‌کنگ، مالزی، فیلیپین، برزیل، ایالات‌متحده و چند کشور اروپای شرقی (Torche, 2005)) و نیز بررسی قشریندی فرصت‌های آموزشی در مدارس حاکمی

پژوهشی اخیر، استفاده شده و با استفاده از روش استنتاج مبتنی بر تحلیل مفاهیم و مفهوم‌پردازی مجدد (Re-conceptualization) پژوهش شکل گرفته است. این روش نوعی فرا تحلیل یا تلفیق پژوهشی است که پژوهشگر به جای مجموعه‌ای از قواعد آماری از آن به عنوان ابزاری برای روشننگری استفاده می‌کند. جامعه پژوهش، مجموعه متون نظری مرتبط با عنوان پژوهش بوده که به کمک فرم فیش برداری، اطلاعات لازم استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش

۱ - بررسی سؤال اول: سازوکار بازتولید فرهنگی - طبقاتی چگونه است؟

دیدگاه مارکسیستی، که در ادبیات رشته برنامه درسی گاه نظریه بازتولید (reproduction theory) و گاه نظریه انطباق (correspondence theory) نیز نامیده می‌شود، در واکنش به دیدگاه کارکردگرایان و ناتوانی نظریه آنها در تبیین روابط بین نظام آموزشی و دیگر نظام‌های جامعه شکل گرفت. بر اساس این دیدگاه، نظام آموزشی از طریق برنامه‌های درسی رسمی و پنهان خود به بازتولید روابط اجتماعی موردنیاز برای حفظ و تداوم سرمایه‌داری می‌پردازد و در این راه بر اموری نظیر رقابت و ارزشیابی، تقسیم سلسله مراتبی کار، اختیار بوروکراتیک، اطاعت و انقیاد و امثال آنها تأکید می‌نمایند. به عقیده طرفداران این دیدگاه، بازتولید این دسته از مهارت‌ها و نگرش‌ها از طریق نظام آموزشی، دانش‌آموزان را برای ایفای نقش‌های آینده‌شان در یک محیط کار طبقاتی آماده می‌سازد. مارکسیست‌ها بر این باورند که در شکل، محتوا، سازمان‌دهی کلاس درس و ارزشیابی، نوعی سیستم پیامی نهفته است که فراگیران را برای اکتساب صفاتی چون سربه‌راه بودن، مطیع بودن، نظافت و همنوایی شرطی می‌سازد.

نوع پیامی که از طریق این سیستم انتقال می‌یابد وابسته به طبقه اجتماعی جامعه اطراف محیط آموزشی است (safaei movahed & bavafa, 2013).

در همین راستا، آنیون (Anyon, 1980)، به نقل از Barfels, 2000) معتقد است که برنامه‌های درسی، رویه‌های تربیتی و شیوه‌های مختلف ارزشیابی هرکدام موجب توسعه

۲ - بررسی سؤال دوم: مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان دانشگاهی چگونه در بازتولید فرهنگی - طبقاتی دانشجویان دانشگاهی مؤثر است؟

مارگولیس، سولداتنکو، ایگر و دیگران به اهمیت توجه به برنامه درسی پنهان در نظام آموزش عالی تأکید ورزیده و ضمن انتقاد به نظریه پردازان انتقادی که توجهشان به برنامه درسی پنهان را تنها معطوف به تعلیم و تربیت ابتدایی و متوسطه نموده‌اند، عرصه آموزش عالی را صحنه‌ای اصلی برای مطالعه مهارت‌آموزی، پرورش، اجتماعی شدن و تغییرات اجتماعی دانسته‌اند. به‌زعم آنان در جوامع صنعتی پیشرفته، تمامی فرایند تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه مورد توجه قرار گرفته و بر این اساس در کنار توسعه کارکردی آموزش عالی و به عنوان گزینه‌ای برای تحرکات صعودی و در راستای بقای اجتماعی و اقتصادی، ساختار تعلیم و تربیت بالاتر از متوسطه دانشگاهی به سرعت در حال تغییر است (etal & Mahram, 2006).

آهولا (Ahola, 2000) اعتقاد دارد که برنامه رسمی در آموزش عالی دارای آزادی عمل بیشتری از برنامه درسی مدارس بوده و عدم تدوین کامل این برنامه، باعث کارکرد بیشتر برنامه درسی پنهان در آموزش عالی می‌شود.

با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران مختلف و استنادات پژوهشی؛ در خصوص نسبت مؤلفه‌ها و گویه‌های برنامه درسی پنهان آموزش عالی در بازتولید فرهنگی - طبقاتی می‌توان به تفکیک؛ مؤلفه‌های مذکور را بررسی نمود.

از آن است که همبستگی قوی بین پیشینه خانوادگی و میزان دستیابی به امکانات آموزشی و همچنین موفقیت تحصیلی فرزندان وجود دارد.

همچنین در تحقیقاتی که تحت عنوان «نظریه کمبود (Deficit Theory)» در انگلستان انجام شد؛ در این نظریه تأیید شد که خاستگاه طبقاتی تأثیر قابل توجهی بر موفقیت تحصیلی دارد و در پژوهش ویلی وهارنیش فیگر و کارویت (Figer, Karweit, 1975) نقش وضعیت طبقاتی خانواده به‌عنوان عامل مسلط در پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد تأکید قرار گرفته است. رابطه طبقات اجتماعی و نظام آموزشی در سطح جهانی، توجه پژوهشگران فراوانی را به خود جلب کرده چنانچه پژوهش به‌یادماندنی کلمن از آن دسته به شمار می‌رود.

در تحقیق کلمن (Coleman, 1988) تحت عنوان «برابری فرصت آموزشی (Equality of Educational Opportunity)» نشان داد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و موفقیت تحصیلی رابطه قوی وجود دارد. از آن زمان به بعد اغلب محققان از تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی بر موفقیت تحصیلی به‌عنوان حقیقت آشکار و قانون تجربی یاد می‌کنند.

جدول ۱ - بازتولید فرهنگی - طبقاتی ناشی از مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان دانشگاهی

مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان	گویه‌های برنامه درسی پنهان آموزش عالی در خدمت بازتولید فرهنگی - طبقاتی
استاد	هم‌فکری و توافق نسبی بیشتر با آراء دانشجویان طبقات مرفه‌تر تشویق و تأییدهای کلامی بیشتر برای دانشجویان طبقات مرفه‌تر پذیرش آسان‌تر دانشجویان با وضعیت ظاهری بهتر بی‌توجهی بیشتر به دانشجویان دارای عملکرد ضعیف طبقات پایین‌تر اقتصادی تأثیرپذیری استاد از توانمندی زبانی و کلامی دانشجویان در تعاملات صرف وقت کمتر برای هدایت دانشجویان طبقات ضعیف‌تر اقتصادی در مقایسه با دانشجویان متمول‌تر

<p>تحقیر دانشجویان طبقات اقتصادی پایین‌تر توسط دانشجویان طبقات متوسط و عالی‌تر چشم‌پوشی از خطاهای تحصیلی دانشجویان طبقات عالی‌تر توسط عموم دانشجویان تشویق جامع و نمایان‌تر موفقیت‌های تحصیلی دانشجویان طبقات عالی‌تر نادیده گرفتن مزیت‌های تحصیلی و علمی دانشجوی طبقه اقتصادی پایین‌تر عدم مراعات آداب عمومی اجتماعی در واکنش به خطاهای دانشجوی طبقه اقتصادی پایین‌تر حمایت معنوی بیشتر از دانشجویان طبقات عالی‌تر در تعاملات با اساتید</p>	<p>دانشجو</p>
<p>تأکید پنهان محتوای دروس بر ارزش‌ها و هنجارهای درونی شده طبقه اقتصادی بالاتر بی‌توجهی محتوای دروس به تفاوت فرهنگ‌ها و ارزش‌های دانشجویان رسوخ پنهان شواهد تجمل‌گرایی در محتوای دروس</p>	<p>محتوی</p>
<p>توجه ویژه داشتن اساتید به دانشجویان طبقات خاص به هنگام تدریس اعطای فرصت مبسوط‌تر به دانشجویان طبقات خاص اقتصادی - اجتماعی در کلاس پذیرش بیشتر نقد دانشجویان طبقات اقتصادی - اجتماعی بالاتر به نسبت سایرین اختصاص زمان بیشتر به پاسخ‌گویی سؤال‌های درسی دانشجویان طبقات خاص اقتصادی - اجتماعی استفاده از ساختار زبانی پیچیده و رسمی‌تر در تعامل با دانشجویان طبقات اقتصادی بالاتر</p>	<p>روش تدریس</p>
<p>نتایج ارزشیابی متفاوت با وجود سطح یکسانی از تکالیف ارائه‌شده تأثیرپذیری ارزشیابی‌های استاد از سطح بیانی و کلامی دانشجویان اقشار مختلف اجتماعی تبعیض در ارزشیابی عملکرد تحصیلی دانشجویان مبتنی بر ملاحظه طبقات اقتصادی اجتماعی آنان غلبه پیش‌داوری‌ها و روح عاطفی و تأثیرگذاری آن بر ارزشیابی دانشجویان طبقات مختلف</p>	<p>ارزشیابی</p>
<p>مراعات جایگاه طبقاتی دانشجویی متمکن‌تر در تفسیر و اجرای قوانین آموزشی اعمال بوروکراسی شدیدتر برای دانشجویان طبقات اقتصادی پایین‌تر چشم‌پوشی از اهمال‌ها و بی‌توجهی‌های دانشجویی طبقات اقتصادی عالی‌تر توسط کارکنان دانشگاه ملاحظه در نحوه اعمال قانون حسب جایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجو اعطای مزیت‌های آشکار و نهان قانونی به دانشجویان طبقات عالی‌تر انواع سطوح بازخورد کارکنان دانشگاه به تقاضای‌های گوناگون رفاهی دانشجویان مختلف اغماض‌های گوناگون در تعامل با درخواست‌های رفتاری دانشجویان دانشکده‌های مختلف</p>	<p>قوانین و مقررات</p>
<p>اختصاص فضا و امکانات آموزشی مطلوب‌تر به دانشجویان طبقات اقتصادی عالی‌تر ایجاد فرصت‌های رفاهی متناسب‌تر برای دانشجویان طبقات خاص اقتصادی - اجتماعی برگزاری سطوح متفاوتی از امکانات برای دانشجویان دانشکده‌های مختلف تمایز بین نوع خدمات رفاهی دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاه سهمیه‌بندی پنهان امکانات دانشگاه برای دانشجویان اقشار مختلف</p>	<p>محیط</p>

۱. استاد

آهولا (ahola, 2000) پژوهشی را در جهت شناخت برنامه درسی پنهان در نظام آموزشی عالی فنلاند دانشگاه تورکو (university of turku) اجرا نموده است. نتایج این پژوهش که بر روی دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت انجام شده است نشان داد که دانشجویانی که والدین تحصیل کرده دارند (یعنی از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردارند) با چگونگی بقا در محیط علمی دانشگاه آشنا بوده، عادت واره‌ها (habits) لازم را از آغاز دارا هستند، اما دانشجویانی که در خانواده‌های نابرابر رشد یافته‌اند در محیط دانشگاه احساس انزوا کرده، نوعی طردشدگی آکادمیک را تجربه می‌نمایند (safaei, 2013 movahed & ataran).

روشنایی (Roshanaei, 2010) در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه» علاوه بر متغیرهای فردی، نقش متغیرهای خانوادگی را در سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه (صنعتی شریف، خواجه نصیر، علم و صنعت) بررسی کرده و نتایج حاکی از آن بود که سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه، رابطه مستقیمی با وضعیت فرهنگی، آموزش و اقتصادی خانواده دارد. به طوری که نظام خانواده در تعیین اهداف و موفقیت دانشجو تأثیر می‌گذارد و موفقیت در این دوره به معنی سازگاری با فرهنگ دانشگاه و احساس تعلق به آن است؛ یعنی دانشجو احساس کند که از او حمایت می‌شود و اعضای دانشگاه او را قبول دارند. بسیاری از دانشجویان بدون آشنایی با فرهنگ دانشگاه وارد آنجا می‌شوند و نمی‌دانند اساتید از آن‌ها چه می‌خواهند؟ هدف از انجام دادن تکلیف چیست؟ روش نمره‌دهی چگونه است؟ مهم‌تر این که آن‌ها احساس کنند که نمی‌توانند با استاد خود ارتباط برقرار کنند. تأکید خانواده بر آموزش فرزند و روابط خانوادگی بر سازگاری و موفقیت دانشجو تأثیر زیادی دارد و این سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اهمیت ارتباط دانشگاه با دانشجو و تشویق وی به شرکت در فعالیت‌های دانشگاه مؤثر است. دانشجویانی که از وضعیت مطلوب اجتماعی بهره‌مند نیستند، از آمادگی کمتر و حمایت و تشویق کمتر دانشگاه رنج می‌برند. این عوامل، شناخت ذهنی نسبت به دانشگاه و تنوع انتخاب را کاهش

یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آموزشی مربوط به برنامه درسی پنهان در آموزش عالی، مربوط به کار مارگولیس و همکاران (Margolis & et al, 2001) است. در این پروژه پژوهشی، مشاوره‌های تحصیلی، روابط استاد راهنما - دانشجو و نقش آموزش‌های حرفه‌ای در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. یکی از بخش‌های اصلی این پروژه، بررسی روابط استادان راهنما و دانشجویان است که ساندرا آکر (Sandra Acker) انجام داده است. وی در این پژوهش برنامه درسی پنهان در روابط استاد راهنما و دانشجو را نسبتاً به طور گسترده در کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و زلاندنو مورد بررسی قرار داده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روابط میان استادان راهنما و دانشجویان تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ رشته‌ای، فرهنگ گروه آموزشی، قوانین پذیرش دانشجو، جنسیت و موقعیت نابرابر استاد و دانشجو در سلسله مراتب سازمانی دانشگاه قرار دارد (safaei movahed, 2013 ataran & Adams, 1992) نقش اساتید دانشکده را در انتقال نظام فرهنگی مسلط به طور خاص در آموزش عالی را مهم دانسته و آنان را کسانی می‌داند که عملاً همه چیز به آنان برمی‌گردد کسانی که مستقیماً بر موضوعات تدریس، ارزشیابی و برنامه درسی کنترل دارند.

درواقع، این استاد است که در نظام آموزش عالی نقش کاملاً فعال را بر عهده دارد و از طریق تعیین محتوا، شیوه اداره کلاس، تعیین خط‌مشی مطالعه برای دانشجو و... نقش جوینده دانش بودن دانشجو را از او سلب و او را در ورطه دانش‌آموزی نگه می‌دارد (Mahram & et al, 2006) همچنین یافته‌های پژوهش قانعی راد (Ghaneirad, 2011) نشان داد تعامل اساتید با دانشجویان از عوامل شخصیتی و ساختاری دانشجو تأثیر می‌پذیرد و جنبه‌های محیط نهادی، ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و ویژگی‌های سازمانی دانشکده‌ها به طور مستقیم بر فراوانی و سرشت تعاملات با اساتید تأثیر گذارند.

۲. دانشجو

دستورالعمل‌های معلمان تأکید نموده و حق انتخاب محدودی برای فراگیران قائل می‌شود. برنامه درسی طبقه متوسط دستیابی به «پاسخ درست» را ترغیب نموده است و در عین حال فرصت‌هایی محدود را نیز برای خودمختاری فراگیران فراهم می‌سازد. در مقام مقایسه، برنامه درسی طبقه متمول بر خلاقیت و تفکر مستقل تأکید دارد و برنامه درسی متعلق به طبقه نخبگان مبتنی بر این مفروضه است که فراگیران به مهارت‌های «تحلیلی و مقایسه‌ای» لازم جهت ارائه برهان‌ها و راه‌حل‌های منطقی نیازمندند. آنیون معتقد است که در برنامه درسی ویژه طبقه متوسط، یافتن پاسخ درست مورد تأکید قرار می‌گیرد. تکالیف کلاسی، خلاقیت و بیان احساسات را ترغیب نمی‌نمایند و مانع بروز تفکر انتقادی از سوی فراگیران می‌شوند. این نوع برنامه درسی افراد را برای مشاغل اداری، فنی و امثال آنها آماده می‌سازد؛ اما در برنامه درسی ویژه طبقه مرفه، بر خلاقیت، بیان احساسات و مهارت‌های مذاکره تأکید می‌گردد. فراگیران فرصت پیدا می‌کنند تا سرمایه‌های نمادین مانند ادبیات، هنر، ایده‌های علمی ... را کسب کنند. این نوع برنامه درسی منجر به تربیت افراد در مشاغل هنری، حقوقی، علمی، ... می‌شود. از سوی دیگر، برنامه درسی ویژه نخبگان افراد را قادر می‌سازد تا قوانین را در ذهن نهادینه نموده و در صورت لزوم با انسجام دادن به آن، به‌طور مقتضی، آنها را در حل مسائل مورد استفاده قرار دهند (safaei movahed & bavafa, 2013).

۴. روش تدریس

پژوهش مهram و فرخ زاده (Mahram & Farokhzadh, 2009) با عنوان «نقش مدرس به‌عنوان مؤلفه‌ای از برنامه درسی در نیل به کارآفرینی، مطالعه موردی نظام آموزش علمی - کاربردی جهاد کشاورزی خراسان رضوی» دلالت دارد بر اینکه استاد عنصری اثرگذار و پویاست و تمامی مؤلفه‌های برنامه درسی در لوای او می‌توانند به صورت سازمان عمل نمایند و این نقش در مؤسسات آموزشی عالی از سایر مؤسسات آموزشی و همگانی بیشتر است. تحقیر دانشجو در کلاس، عدم اختصاص زمان کافی در مباحث، ایجاد دلسردی در دانشجویان، پذیرش دانشجویان به‌عنوان افرادی مملو از رفتار بالقوه وعدم نگرش به دانشجو به مثابه

می‌دهد که دانشجو را در گذراندن موفقیت‌آمیز این دوره با مشکل روبه‌رو می‌کند. در این راستا؛ نتایج تحقیقات (Oliverez & Tieney, 2005) نشان داد که رفاه اقتصادی بر سازگاری دانشجو با محیط دانشگاه اثر دارد و در این زمینه بیان می‌دارد والدینی که می‌توانند برای فرزندانشان منابع آموزشی را فراهم کنند توانایی مقابله با اضطراب در دانشگاه را برای فرزندان خود تقویت می‌نمایند و فراهم کردن کمک‌های مالی برای دانشجویانی که به آن نیاز مبرم دارند بر سازگاری با محیط دانشگاه اثر قابل توجهی به همراه دارد. همچنین نتایج پژوهش یان و سیوسان (yoon & susan, 2007) نشان داد نفوذ فراگیران در همسالان خود می‌تواند ابعاد مثبت و منفی داشته باشد؛ آنها می‌توانند از نفوذ خود در سایرین برای به چالش کشیدن افکار معلمان و یا نظم در کلاس استفاده کنند.

۳. برنامه درسی (محتوا)

عراقیه و همکاران (Iraqiya & et al, 2009) در پژوهشی با عنوان «تلفیق راهبردی مناسب برای تدوین برنامه درسی چندفرهنگی» اذعان می‌کنند برنامه درسی آموزش عالی کشور به سبب مغفول ماندن سیاست قومی و چندفرهنگی، الگو و راهبردی در زمینه برنامه درسی چند فرهنگی ندارد و توجه نکردن به واقعیت وجود هویت‌ها، نژادها، عقاید و فراهم نکردن بسترهایی برای معرفی و شناسایی دیگر فرهنگ‌ها در محیط‌های دانشگاهی و ایجاد نکردن زمینه‌های مناسب در برنامه‌های درسی بر آشنایی با فرهنگ‌های مختلف را از مهم‌ترین موانع فرهنگی در برنامه درسی آموزش عالی قلمداد می‌کند. با توجه به این که دانشگاه محیط فرهنگی محسوب می‌شود و در محیط فرهنگی تنوع سلیقه‌ها و گرایش‌های اجتماعی وجود دارد، باید تمام این مسائل بر اساس الگوی سنجیده یا مبانی نظری متقن، در خصوص مباحث چندفرهنگی مدیریت شود. دانشگاه باید فضای آزاد برای یادگیری و برابری فرصت‌های آموزشی فراهم کنند و برای تحقق بخشی به وظایف خود، نیازمند ابزارهای لازم از جمله برنامه درسی متناسب با شرایط و نیازها است.

مطالعات قوم‌نگاران آنیون نشان می‌دهد که برنامه درسی فراگیران متعلق به طبقه کارگر بیشتر بر

دانشجویان درک و قضاوت‌های استادان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ventzel, 2003). در پژوهشی نشان داد که پایگاه جامعه‌سنجی با نمره‌های کلاسی مرتبط است. همچنین نتایج پژوهش فراست خواه (farasatkah, 2008) با عنوان «بررسی وضع موجود ارزیابی نظام علمی با تأکید بر بخش آموزش عالی» دلالت دارد بر این که تحلیل اسنادی نزدیک به ۱۰۰ سال گذشته در کشور، به‌علاوه بررسی دیدگاه‌های کارشناسان خبره در موضوع نشان می‌دهد که فرایند ارزشیابی نظام علمی با موانعی ساختاری و ایدئولوژیک مواجه بوده است.

۶. قوانین و مقررات دانشگاه‌ها

فضای اداری حاکم غالباً همراه با مجموعه‌های فشرده قوانین، مقررات، روش‌ها و نظام‌های مدیریت آن، عاملی مؤثر دیگری است که در شکل‌گیری برنامه درسی پنهان نقش دارد (fathi vajargah & etal, 2006) عناصری از این طبیعت که به‌سادگی قابل تشخیص‌اند عبارتند از:

- نظام طبقه‌بندی مدرسه: کلاس‌های درس، گروه‌بندی، شیوه‌های ارتقا
- روش‌های ارزیابی: آزمون‌ها، نمره‌گذاری، پاداش‌های پیشرفت تحصیلی
- قوانین انضباطی: آزادی حرکت دانش‌آموزان، حضور و غیاب
- محدودیت‌ها و روش‌های تنبیه: سرزنش، تمسخر کردن، تعلیق، اخراج، جریمه

از نظر نوروز زاده و همکاران (novrozzadeh & etal, 2009) بیشتر مؤسسات آموزشی، تصمیم‌گیری‌ها به نوبت هرم اداری مؤسسه، یعنی مدیران، رؤسا و معاونان می‌رسد و این وضعیت خط اقتدار و کنترل جامعه‌ای مانند مدرسه یا دانشگاه را به فراگیرندگان می‌آموزد. با توجه به آنچه ذکر شد؛ فرصت‌های آموزشی می‌تواند در سطوح طبقات اجتماعی - اقتصادی افراد متفاوت باشد و به لحاظ دربرگیرندگی وضعیت‌های اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی، موقعیت فرد و طبقه، وی را در موضع قدرت برخوردار یا محرومیت از آن نشان می‌دهد. در زمینه این که چرا آموزش به‌طور نابرابر در بین افراد جامعه توزیع شده، دلایلی نظیر پیشینه تحصیلی، فرهنگ، منطقه و طبقه قابل توجه

انسان‌هایی وامانده و مطرود از جمله مواردی است که نقش ناهمسوی برنامه درسی قصد شده را نمایان می‌سازد. نتایج پژوهش؛ قاسمی و مرزوقی (Ghasemi & marzoghi, 2008) نیز نشان داد: روش تدریس مدرسان از یکسو می‌تواند روحیه انفعال، ناامیدی، سطحی‌انگاری، تقلا برای حفظ طوطی‌وار و حتی تقلب را ایجاد کند و از سوی دیگر سبب شور و شوق یادگیری و خلاقیت و نوآوری گردد.

۵. ارزشیابی

به‌نظر جلالی (jalali, 2007) قضاوت کلیشه‌ای نوعی استدلال تمثیلی است که بر ذهنیت روان‌شناختی انسان‌ها استقرار تام دارد و در بروز واکنش رفتاری نسبت به دیگران و تکوین بازخوردی نسبت به امور نقشی مهم ایفا می‌کند که پایه و مستند این نوع قضاوت معمولاً تأثرات عاطفی است. توانمندی و فقر اقتصادی - فرهنگی دانشجویان ممکن است نمرات او را در کلاس درس و به‌تبع آن ارزشیابی دانشجویان، تحت تأثیر قرار دهد. برگن هن گوون (Bergen, 1987) از جمله کسانی است که به بررسی برنامه درسی پنهان در آموزش عالی پرداخته است. در این پژوهش که در دانشکده علوم اجتماعی آمستردام (university of Amsterdam) اجرا شده است، چپستی برنامه درسی پنهان و نقش انگیزش و نگرش تحصیلی در شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، دانشجویان این دانشکده معتقدند که موفقیت آنها در آزمون‌ها بیشتر منوط به کاربرد اصطلاحات تخصصی و مفاهیم محوری موردعلاقه استادان است. بحث و مجادله کلامی با استادان می‌تواند تأثیر منفی بر نمرات آنها داشته باشد و برخلاف یک فشار غیررسمی که بر دانشجویان این دانشگاه جهت کسب مدرک وجود دارد آنها بر این باورند که شناخت و فهم موضوعات بیش از نمره امتحانی برای آنها ارزشمند است (safaei movahed & ataran, 2013) پرادپاسنا (pradipasena) در پژوهشی تأثیر زمینه‌های طبقاتی بر انتظار و نحوی تعامل و حتی لحن کلام استادان را در برخورد با دانشجویان طبقات متفاوت بررسی کرده و نشان داد که از طریق این ارزشیابی‌ها، عزت‌نفس فراگیران تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گرین‌وود (۱۹۹۳) معتقد است؛ صفات و ویژگی‌های شخصیتی

می‌تواند تعیین کند چگونه و چه چیزی یاد می‌گیریم. نظریه‌پردازان انتقادی نیز ادعا دارند که محیط آموزشی، فراگیران را به از خودبیگانگی مبتلا ساخته که این توان زدایی از طریق منع فراگیران از فرصت‌هایی که از طریق آن‌ها به صورت‌بندی اهداف و تمایلات خود می‌پردازند اتفاق می‌افتد و نوعی حمایت از قدرت و ارتباط (از بالا به پایین) را تشویق و حمایت می‌کنند (apple, 1982).

از نظر فتحی واجارگاه و بزرگ (fathi vajargah & bozorg, 2012) ساختمان و فضای دانشگاه‌ها، معلمان خاموش (silent teacher) هستند و یافته‌های پژوهش ایشان دلالت دارد بر این که از نظر ایشان؛ در دانشگاه شهید بهشتی، من دانشکده‌های زیادی رفتم. وقتی رفتم دانشکده علوم پایه خیلی ناراحت شدم امکاناتی بود که برای بچه‌های علوم پایه وجود داشت؛ آزمایشگاه‌های بزرگ، یک فضای بسیار بزرگ برای یکی دو نفر... خوب این آدم خودبه‌خود احساس مسؤلیت می‌کنم و تلاشش را بیشتر می‌کنم از اون چیزهایی که در اختیارش گذاشتند استفاده کنه درحالی‌که ما حداقل امکانات را نداریم؛ این‌همه دانشجو و یه سایت کوچولو... کتابخانه‌ای که فضاهای کافی برای این‌همه دانشجو ندارد.

۳ - بررسی سؤال سوم: جهت کنترل پیامدهای منفی بازتولید فرهنگی - طبقاتی ناشی از مؤلفه‌های ناهمسوی برنامه درسی پنهان، ملاحظات کاربردی دانشگاهی چه هستند؟

هستند که به‌طور مداوم بر سیاست‌های آموزشی جهت سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه انسانی تأثیر می‌گذارند. در این راستا، نتایج پژوهش لواسانی و درانی (Lavasani & dorrani, 2004) در پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی‌های فردی و خانوادگی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران» ثابت کردند که مسؤولان انتخاب و گزینش در رشته‌های علوم تربیتی، به معدل دیپلم و عملکرد تحصیلی آنها و پیشینه تحصیلی سهم قابل‌ملاحظه‌ای می‌دهند و متغیرهای معدل دیپلم و سهمیه‌های ورودی دانشجویان پیش‌بین‌های معناداری برای گزینش دانشجویان است. از نظر کریمی (karimi, 2012) قوانین و مقررات کنونی دانشگاه‌ها تداعی‌کننده نوعی دیوان سالاری است که غالباً همراه با مجموعه‌های فشرده قوانین و مقررات، روش‌ها و نظام‌های مدیریت آن یک عنصر پراهمیت برای برنامه درسی پنهان محسوب می‌شود.

۷. محیط دانشگاه

سبک ساختمان‌های دانشگاه و نوع چیدمان کلاس درس و به‌طور کلی محیط دانشگاه، می‌تواند حاوی پیام‌های ضمنی باشد. منظور از محیط فیزیکی، شرایط و فضای کالبدی محیط کلاس از جمله تسهیلات، تجهیزات، نوع چیدمان صندلی‌ها در کلاس، فضای کلی دانشگاه و تعداد دانشجو نسبت به ظرفیت کلاس درس است. به اعتقاد کوهن (cohen, 2010) مکانی که در آن یاد می‌گیریم

جدول ۲ - ملاحظات کاربردی جهت کنترل پیامدهای منفی بازتولید فرهنگی در آموزش عالی

کارکردهای اصلی	ملاحظات کاربردی دانشگاه‌ها
نقد ایدئولوژی‌ها ابطال و افشای آگاهی‌های کاذب	پژوهش‌های انتقادی
توجه به تفاوت‌ها و حاشیه‌ها برقراری عدالت آموزشی	تأکید بر تربیت اخلاقی و معنوی در دانشگاه‌ها
تأکید بر روش‌های تحقیقات کیفی در زمینه علوم انسانی (قوم‌نگاری، تحلیل گفتمان و ساخت شکنی، روش انتقادی و گفتگو محور)	بازنگری در روش‌های تحقیق و پژوهش در آموزش عالی

بازنگری در قوانین و مقررات آموزش عالی	کاهش دیوانسالاری به منظور بروز قابلیت‌های طبقات مختلف در فعالیت‌های مختلف دانشگاه‌ها (علمی، پژوهشی، فرهنگی، دانشجویی و...)
بازنگری در محتوای دروس دانشگاهی	تأکید بر برنامه درسی چندفرهنگی
تغییر و تحول در الگوهای ارزشیابی اساتید	توجه به شیوه‌های کیفی بجای شیوه کمی در ارزشیابی
بازنگری در شیوه‌های تدریس دانشگاه‌ها	کاربرد و اجرای راهبردهای تدریس فعال، مشارکتی و...
اصلاحات و تغییرات در ساختار فیزیکی دانشگاه‌ها	تغییرات لازم در محیط‌های آموزشی؛ نحوه چیدمان رده‌ها (میزگردی بجای ستونی و...)

بحث و نتیجه‌گیری

با استناد به پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعات (Hendry & Welsh, 1981) می‌توان اذعان کرد که نظریه‌پردازان انتقادی، برنامه درسی پنهان را ابزاری دانسته‌اند که نظام آموزشی به واسطه آن، به برخورد ناعادلانه و تبعیض‌آمیز با محصلان، بر مبنای نژاد، توانایی تحصیلی، طبقه اجتماعی و یا جنسیت می‌پردازد همچنین مطالعات قوم‌نگارانه آنبون (۱۹۸۰) نیز نشان داد که برنامه درسی فراگیران متعلق به طبقه کارگر بیشتر بر قوانین و دستورالعمل‌های معلمان تأکید نموده و حق انتخاب محدودی برای آنها قائل می‌شود و برنامه درسی متعلق به طبقه نخبگان مبتنی بر این مفروضه است که فراگیران به مهارت‌های «تحلیلی و مقایسه‌ای» لازم جهت ارائه برهان‌ها و راه‌حل‌های منطقی نیازمندند؛ بنابراین پارادایم انتقادی، نظام آموزشی را عاملی می‌داند که در جهت منافع نخبگان عمل می‌کند. نابرابری‌های موجود را تقویت می‌نماید و نگرش خاصی در افراد به وجود می‌آورد تا وضع موجود خود را پذیرا باشند. هدف و مسؤلیت برنامه درسی پنهان، جداسازی طبقات اجتماعی است به این معنا که برای پیشرفت نخبگان، آزادی بیشتری مهیا می‌سازد و غیر نخبگان را طوری پرورش می‌دهد که قسمت و سرنوشت خود را در آینده به‌عنوان کارگرانی منضبط و فرمان‌بردار

پذیرا باشند؛ بنابراین ایده بازتولید فرهنگی - اجتماعی اشاره به این موضوع دارد که نظام آموزش عالی از طریق چرخه تأثیرگذاری، بر شغل و پایگاه اجتماعی دانشجویان طبقات مختلف می‌تواند فرایند تحرک اجتماعی را متأثر سازد.

این ویژگی یادشده به برنامه‌ریزان نظام آموزشی این امکان را می‌دهد تا با دستکاری و کنترل متغیرهای مذکور، عدالت آموزشی را مورد توجه قرار داده و در نتیجه برنامه‌ریزان درسی رسمی نظام آموزش عالی، باید عناصر برنامه درسی پنهان را به‌عنوان یک جعبه سیاه آموزشی همواره مدنظر قرار دهند.

در این راستا به‌منظور کنترل تأثیر ناهمسوی برنامه‌های درسی پنهان بر بازتولید فرهنگی - طبقاتی سوء در حوزه دانشگاهی و نیز معنا دادن به عدالت آموزشی، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه شده است:

۱- تدوین فلسفه جامع از تعلیم و تربیت به‌عنوان زیربنای مستحکم برنامه و روش‌های تربیتی که پاسخ‌گوی چالش‌های موجود در جامعه چند فرهنگی ما باشد. به عبارت روشن‌تر از جمله مسائلی که باعث به وجود آمدن نابرابری اقتصادی - اجتماعی در بین دانشجویان نظام آموزش عالی می‌شوند، وجود مؤلفه‌های ناهمسوی در برنامه درسی تک‌فرهنگی حاضر است؛ لذا در کشوری چندفرهنگی باید به پیامدهای آموزش عالی، با دید انتقادی نگرست و

Knowledge, Education and Cultural Change, London: Tavistock.

Cohen B. (2010). Space To develop: how architecture can play a vital Role in young children live-Scotland university kindom, cele exchange/6.

Coleman, j.s. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital" American journal of Sociology, 94: 95-120.

Collins, j & f Thompson (1997). "Family, School, and Cultural Capital", in L.j Saha (Ed). International Encyclopedia of the Sociology of Education: Oxford: pergamon

Durkheim, E. (1997). Education and Sociology, translated by Ali Mohammad Kardan, Tehran: Amir Kabir Publications.

Farasatkah, maghsood. (2008). Review the existing and desired academic system evaluation with emphasis on higher education, Journal of Science and Technology Policy, First Year, No. 2. [Persian].

Fathi Vajargah, K, Bozorgi H. (2012). Hidden curriculum in fuenced By Psychical Environment, Journal of Higer Education curriculum studi, v3. No 5, p:26-40. [persian]

Fathi Vajargah, K. (2007). Curriculum: Towards anewidentity in curriculum: a description of contemporary theories in curriculum. Tehran: Ayes publication. [Persian].

Fisher Michael. R. (2000). underlining the hidden curriculum in conflict and pace education: further toward a critical conflict education and "conflict" pedagogy. Technical paper. No 10: pp 1-20.

Ghaneirad, M A. (2010). Interactions of university students and faculty in the development of social capital, Journal of Sociology, Volume seventh, No 1, pp: 3-29.

Ghoorchian, N Q .(1995). An analysis of the ongoing curriculum, a new discussion on unknown aspects of teaching, Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 5.

Giddens, Anthony. (1994). Sociology, translated by Manochehr saborye kashani, Tehran: publicationsney.

Giroux, H. penna, A., pinar, W. (Eds). (1983). The hidden curriculum and moral

به تغییراتی که نظام آموزش عالی به آن نیاز دارد، سنجیده‌تر و عمیق‌تر توجه کرد.

۲- بسترسازی مناسب برای برقراری عدالت اجتماعی و آموزشی، رشد تعاملات فرهنگی، رشد بهره‌وری دانشگاهی از طرف برنامه‌ریزان آموزش عالی جهت غنای تربیتی باملاحظه انواع فرهنگ‌های متنوع موجود.

منابع

Adams, M. (1992). 'Academic culture; The Hidden curriculum'. New Di-rection for Teaching And Learning, No 49. [online].

Ahola, Eric [Editor] (2001) – The Hidden Curriculum in Higher Education–Routledge.

Ahola, S. (2000). Hidden Curriculum in higher education: Something tofear for or comply to? Research Unit for the sociology for education -.Universityof Turku.

Alagheh band, Ali. (1994). Sociology of education, Tehran: ravan publications. [Persian].

Alikhani, M, H. Mehr Mohammadi, M. (2005). Unintended consequences (hidden curriculum) social environment of high school city and provide solutions to mitigate their negative effects. Daneshvar Raftar Journal, Year 12, No. 12, pp. 48-39. [Persian].

Apple, M. (1995). Education and Power. New York: Published by Routledge.

Ausbrooks, Ruby (2000). what is school's Hidden curriculum teaching your child? [online [www.perentingteens.com/curriculum.sthm]8aug 2001.]

Bagheri Noaparast KH, Tavassoli, T. Sajjadih. N. (2010). The Approachs and Methods Research in philosophy of Education, Tehran; Researshing Complex Cultural-Society. [Persian].

Bernestein, B (1971). class, codes and control: Theoretical Studies Towards a Sociology of Language; Vol.1, London.

Bernestein, B. (2003). Class and pedagogic practice: The Structuring of Pedagogic Discourse, Vol IV, London Routledge, p: 63-93.

Bourdieu, p. (1973). Cultural Reproduction and SocialReproduction, in R Brown (ED).

- Marks, G. & millan, j. (2003). Declining Inequality? The British journal of Sociology. vol. 54.
- Mc Fadden, MG. & j.c.Walkerr. (1997). Resistance Theory, I. Jsaha (ed.), International Encyclopedia of the sociology of Educatin; Oxford; pergamon.
- Mehr Mohammadi, M. (2008). Curriculum (views, approaches and perspectives) Tehran: publisher samt. [Persian].
- MehrMohammadi, Mahmoud al. (2010). curriculum (views, approaches and perspectives), Tehran: publications astane ghodse Razavi, Fourth Edition. [Persian].
- Norozi, R. A. Janat Fereidoni, T. Moshakelaye, M. (2014). The study of the erlationship between the hidden curriculum components and the national identity of high school students. Research in Curriculum Planning, Vol 2, No 15 (continus 42), pp: 110-121. [Persian].
- Oliverez, p. M. & W. G. Tierney. (2005). Show us The Money Low income students Families and financial Aid, centre for Higer Ed vcation policy Analysis.
- Portelli Tohnp. (1993). Exposing The Hidden curriculum, curriculum studies. Vol 25. no 4. p: 346.
- roshanaie, M. (2010). Individual and family factors on students compatibility with the academic environment, Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 55, pp. 19-43. [Persian].
- Safaei Movahed S, Ataran M. (2013). uncovering The hidden curriculum of supervisors selection in a faculty of mathem matics: A Qualitative Study, Research in curriculum planning, vol 10, No 11, p.1-12. [Persian].
- Safaei Movahed S, Bavafa S .(2013). Towards Another Meta-Theory for understanding The hidden curriculum, Research in curriculum planning, vol 10, No 10, p: 76-96. [Persian].
- Sobhaninejad, M. & Manafi Shrfabad, K. (2011). Sociology of Education (Foundations, Approaches, of course ... Index), Tehran: Ystrvn. [Persian].
- education: Deception or discovery? Berkeley, Ca: McCuthan.
- Green wood, ge, Bridges. cm, ware, wb and mclean, je. (1993). Student valvation of college.
- Haerizadeh, A & et al .(2009). Investigate the effect social relations professor - student academic success of students (case study of Ferdowsi University of Mashhad), Journal of Social Sciences Faculty of Letters and Humanities Ferdowsi University of Mashhad, Year 6, No. 1.
- Iraqiya, A., et al .(2009). Integrate appropriate strategies for developing multicultural curriculum, Journal of interdisciplinary studies in the humanities, period 2, No. 1, pp. 149-165. [Persian].
- Jalali, M. (2007). Analysis of the relationship between social inequality and educational inequality, emphasizing the role of mediating variables, Journal of education, Year 23, No. 3. [Persian].
- Kazemi, S., mahram, B. (2010). Explore the practice of educational administration As a component of the hidden curriculum in the valuable education of students, Journal of Curriculum Studies. Fifth year. Pp: 159-129. [Persian].
- Lavasani, G and Durrani, K. (2004). The relationship between academic achievement and personal and family characteristics Undergraduate Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tehran University Journal of Psychology, 34, No. 2.
- Mahram, B. and Farokhzadh, MH .(2009). The role of teacher as a curriculum component in achieving entrepreneurship (case study of education systems - Applied Agriculture Jihad Khorasan Razavi, Educational Psychology Studies, No. 9. [Persian].
- Mahram, B. Saki, P. Masood, A. Mehr Mohammadi, Mahmoud. (2006). Role components Hidden curriculum in Scientific identity Students (case study of Mashhad) publications studies curriculum. Pp: 29-3. [Persian].
- Margplis,Eric. [Editor]. (2001). The hidden curriculum in hogher education. London Routledge.

Sobhaninejad, M. & Sadat Hosseini Yazdi, A. (2014). Review of correlation relationships and explanatory contribution of components of hidden curriculum with dimensions of research comprehensive approach of educational sciences students of Tehran public universities. *Research in Curriculum Planning*, Vol 2, No 14 (continus 41), pp: 116- 134. [Persian].

Townsend, Barbara. (1995). Is there a Hidden Curriculum in Higher Education Doctoral Programs? Paper presented at the Annual Meeting of the Association for the Study of Higher Education. November 2-5. [Persian].

Wentzel, k. R. (2003). Sociometric Status and adjustment in middle School: Alongitudinal Study. *journal of Ealrly Adolescence*, 23 (1), 5-24.